

# کاشمش

گلشن مهر شناسنامه گلستان است

سه شنبه ۱۹ خرداد ماه ۱۴۰۵ / سال بیست و هفتم / شماره ۸ / صفحه ۲۵۰۰۰ / تومان

۲



خبر خوب از زیستگاه‌های گلستان؛  
آهوها و قوچ‌ها بیشتر شدند



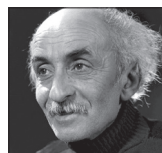
۳



گلستان در مسیر بازرچرانی  
آب



۵۴



درباری زندگی و شعر نیما یوشیج  
با درنگی در سخنان معصومی همدانی



## تابلوساز علی پور

مجری انواع تابلوهای تبلیغاتی...

گران، بلوار مدرس، نبش مدرس ۹

تلفن: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹ تماس: ۰۹۱۱۵۶۷۱۳۶۹

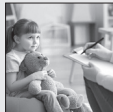
### یادداشت اول

## یاد برخی نفرات

■ احسان مکتبی

ظهور و پایان برخی نفرات شبیه افسانه و رویاست، بی ادعا می آیند و بی سرو صدا می روند، کار خود را انجام می دهند و بی منت عمل می کنند و از خود خیر و نیکی می گذارند و دریغ آنکه گاه چنان بی هیاهو از سرای سپنج می روند که حسرت یک غمسرایی را نیز از انسان می ستانند. درگذشت استاد جلال خالقی مطلق، استاد جلیل دوستخواه، دکتر اصغر دادبه از چهره های خدمتگزار ایران زمین در این دو سه ماهه تجاوز ضحاکان به ایران زمین از این دست حسرت هاست. جلال خالقی مطلق که بیش از پنجاه سال برای تصحیح شاهنامه حکیم بزرگ ایران زمین تلاش کرد و با جمع آوری بیش از ۵۰ نسخه دست نویس و اتکا به ۱۲ نسخه معتبر، تصحیح علمی، روشمند و انتقادی از شاهنامه ارائه کرد تا بهترین تصحیح شاهنامه را تا به امروز به انجام رسانده باشد، پنجاه سال بدون هیچ چشم داشت و انتظاری عمر و زندگی خود را گذاشت و شاهنامه حکیم توس را برداشت تا من و شما متنی ویراسته تر از شاهنامه در دست داشته باشیم، یا استاد جلیل دوستخواه که تمام عمر خود را در پژوهش اساطیر ایران زمین گذراند و با شرح و ترجمه اوستا کاری سترگ را به سامان رساند تا ایرانیان با تاریخ خود بیشتر مانوس شوند و یا دکتر اصغر دادبه که سالها عمر و زندگی خود را وقف ایران و پژوهش درباره فرهنگ و ادبیات و عرفان ایران کرد غریبانه در دوران جنگ از میان ما رفتند به گونه ای که بسیاری حتی از مرگشان نیز خبر دار نشدند. در گلستان نیز رجب محمد بشارتی فر پژوهشگر ترکمن، انسانی ممتاز و یگانه بود که عمری را در راستای فرهنگ و دانایی این سرزمین تلاش کرد و با خلق آثاری در حوزه تربیت و آموزش و راه اندازی انتشارات در مسیر ارتقای شهروندان کوشید، در همین ایام پرویز کریمی شاعر نامدار گرگانی نیز دار فانی را وداع کرد و با غزل هایش در دهه چهل و پنجاه در میان بزرگان شعر معاصر جایگاهی کسب کرده بود و ادبیات گلستان به او مفتخر بود سوگمندها از میان ما رفتند و دریغ که نتوانستیم برای هیچیک ادای دینی در خور بنماییم. یادشان گرامی و امید که ایرانیان خردمند قدر داشته های خود را بدانند و آنها را پاسدارند.

صاحب امتیاز



توجه به سلامت روان کودکان  
فرصتی برای رشد سالم تر

« ۸ »



خرید ۸ تن گل محمدی  
از کشاورزان وامنان

« ۷ »



استحصال یُد  
مشکل زیست محیطی ندارد

« ۶ »

ناکار آمدی راه حل های سنتی در مدیریت شهری

# بازاندیشی در حکمرانی شهری



آلودگی هوا شلند. پروژه های مسکن انبوه که برای رفع کمبود مسکن اجرا شدند، به ایجاد محلات فاقد هویت و بحران های اجتماعی انجامیدند. این نمونه ها نشان می دهند که تفکر خطی و تک بعدی چه پیامدهای پر دامنه ای می تواند در پی داشته باشد. یکی از مفاهیم کلیدی در ادبیات جدید حکمرانی شهری، مفهوم تاب آوری شهری است. تاب آوری به توانایی سیستم شهری در سازگاری، یادگیری و بازتابی در برابر شوک ها و تنش های محیطی، اقتصادی و اجتماعی اشاره دارد. در این چارچوب، و اجتماعی شهری دیگر صرفاً بر کنترل فیزیکی مسائل تمرکز ندارد، بلکه بر افزایش ظرفیت سازگاری سیستم شهری تأکید می کند.

ادامه در صفحه ۲

در حوزه حمل و نقل بر کیفیت هوا اثر می گذارد هر تصمیمی در زمینه کاربری زمین بر ساختار اجتماعی محلات تأثیر می نهد و هر سیاستی در حوزه مسکن بر پویایی اقتصادی شهر اثرگذار است. مدیریت شهری در قرن بیستم مبتنی بر الگوی مهندسی خطی بود؛ الگویی که فرض می کرد هر مسئله دارای یک علت مشخص و یک راه حل فنی قابل پیش بینی است. اما تجربه جهانی نشان داده است که این رویکردها در بسیاری از موارد نه تنها مسئله را حل نکرده اند، بلکه گاه موجب تشدید بحران ها نیز شده اند. در واقع، بسیاری از مشکلات شهری امروز، محصول راه حل های دیروز هستند. توسعه بزرگراه های شهری که برای کاهش ترافیک طراحی شدند، خود عامل ازدیاد خودرو و

و شیوه های سنتی مدیریت ایجاد کرده است که پیامدهای آن در کیفیت زندگی شهروندان به وضوح قابل مشاهده است. در رویکردهای جدید برنامه ریزی و حکمرانی شهری، شهر دیگر صرفاً مجموعه ای از زیرساخت های کالبدی تلقی نمی شود؛ بلکه به عنوان یک سیستم پیچیده تطبیقی شناخته می شود که در آن اجزای مختلف اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و فناورانه به شدت به یکدیگر وابسته اند. بر اساس رویکرد تفکر سیستمی، تغییر در هر بخش از سیستم شهری می تواند پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم متعددی بر سایر بخش ها ایجاد کند. این واقعیت به معنای آن است که هیچ تصمیمی در مدیریت شهری رانمی توان به صورت منفرد و جفا از سایر ابعاد ارزیابی کرده هر اقدامی

علی نجفی نژاد- شهرها در دهه های اخیر با تحولات گسترده ای مواجه شده اند که ماهیت مسائل و چالش های شهری را به طور بنیادین تغییر داده است. رشد سریع شهرنشینی، تغییرات اقلیمی، فشار بر منابع طبیعی، افزایش پیچیدگی تعاملات اجتماعی، توسعه فناوری های نوین و دگرگونی الگوهای اقتصادی، موجب شده اند که بسیاری از مسائل شهری دیگر با رویکردهای سنتی قابل مدیریت نباشند. در این میان، یکی از مهم ترین چالش های نظام های مدیریتی، تاووم استفاده از الگوهای تصمیم گیری و ابزارهایی است که عمدتاً برای شرایطی ساده تر و محیطی با پیچیدگی کمتر طراحی شده بودند. این وضعیت نوعی شکاف پارادایمی میان ماهیت مسائل جدید

## ادامه تیر اول

اجتماعی-فرهنگی است که مستلزم تغییر در نگرش مدیران، برنامه‌ریزان و شهروندان نسبت به مفهوم شهر و کیفیت زندگی شهری است. شهری که در آن انسان در مرکز توجه قرار دارد نه خودرو، شهری است که سلامت، آرامش و پیوند اجتماعی را برای ساکنانش به ارمغان می‌آورد.

## حکمرانی مشارکتی؛ ضرورت عصر جدید

مطالعات حوزه حکمرانی شهری نشان می‌دهند که مسائل پیچیده امروز، صرفاً با مدیریت متمرکز و بوروکراتیک قابل حل نیستند. در چنین شرایطی، مشارکت ذی‌نفعان، شفافیت اطلاعات و یادگیری اجتماعی اهمیت فزاینده‌ای پیدا می‌کند. حکمرانی مشارکتی به معنای درگیر کردن شهروندان، متخصصان، نهادهای مدنی و بخش خصوصی در فرایند تصمیم‌گیری است؛ فرایندی که در آن دانش محلی و تخصص فنی در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. تحولات سریع جهان معاصر نشان می‌دهد که بسیاری از مسائل شهری امروز، ماهیتی متفاوت با گذشته پیدا کرده‌اند. در چنین شرایطی، استمرار استفاده از رویکردهای سنتی و خطی، توان پاسخگویی به پیچیدگی‌های جدید را ندارد. بنابراین، مهم‌ترین تحول مورد نیاز در مدیریت شهری

شهرهای تاب‌آور، شهرهایی هستند که ظرفیت مواجهه با بحران‌های غیرمنتظره را دارند و پس از هر بحران، نه تنها به حالت پیشین بازمی‌گردند، بلکه از تجربیات خود می‌آموزند و توانمندتر می‌شوند. چنین رویکردی مستلزم تحول اساسی در ساختارهای حکمرانی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری شهری است. در حوزه حمل‌ونقل نیز تغییرات مهمی در رویکردهای مدیریتی مشاهده می‌شود. الگوی سنتی خودرومحور که ده‌ها بر برنامه‌ریزی شهری غالب بود، به تدریج جای خود را به رویکردهای انسان‌محور و پایدار داده است. شهرهای پیشرو جهان اکنون سرمایه‌گذاری در حمل‌ونقل عمومی، ایجاد مسیرهای دوچرخه‌سواری و طراحی فضاهای پیاده‌محور را در اولویت قرار می‌دهند. این تحول نه تنها یک انتخاب فنی، بلکه یک تصمیم

آینده، نه صرفاً توسعه فناوری، بلکه گذار از الگوهای فکری قدیمی به پارادایم‌های نوین حکمرانی شهری است. گذار از پارادایم‌های سنتی به حکمرانی نوین شهری، تنها از طریق اسناد سیاستی و برنامه‌های دولتی محقق نمی‌شود. این تحول، پیش از هر چیز، نیازمند انتخاب‌هایی آگاهانه در سطح شهروندی است. شورای شهر به‌عنوان نزدیک‌ترین نهاد حکمرانی به زندگی روزمره مردم، مهم‌ترین بستر تحقق این تغییر پارادایمی به شمار می‌رود. در شرایطی که مسائل شهری از ترافیک و آلودگی تا مدیریت پسماند، تأمین فضاهای عمومی و برنامه‌ریزی محله‌محور، ماهیتی سیستمی و پیچیده یافته‌اند، دیگر نمی‌توان مدیریت شهر را به افرادی سپرد که تنها با روش‌های سنتی آشنا هستند. انتخاب اعضای شورای شهر از میان کسانی که با علم روز در حوزه‌هایی چون تفکر سیستمی، تاب‌آوری شهری، فناوری‌های نوین، توسعه پایدار و حکمرانی مشارکتی آشنا دارند، دیگر یک ترجیح نیست؛ بلکه یک ضرورت انکارناپذیر است. بی‌تفاوتی نسبت به انتخابات شورای شهر یا مشارکت بدون آگاهی در آن، به معنای واگذار کردن سرنوشت شهر به الگوهای فکری منسوخ است که ناکارآمدی‌شان بارها به اثبات رسیده است. شهروندان آگاه

باید با حضور فعال و مسئولانه پای صندوق‌های رأی، و با ارزیابی دقیق سوابق، تخصص و نگرش نامزدها، به انتخابی هوشمندانه و آینده‌نگر دست‌بزنند. نامزدهای شایسته شورای شهر کسانی هستند که نه تنها با چالش‌های بومی و محلی آشنا باشند، بلکه با تجربیات موفق جهانی در زمینه حکمرانی شهری نیز آشنایی دارند؛ افرادی که قادر باشند رویکردهای نوین را با واقعیت‌های بومی تلفیق کنند، از داده و فناوری در تصمیم‌گیری بهره‌گیرند و شهروندان را به‌عنوان شرکای اصلی در فرایند حکمرانی در نظر بگیرند. تفاوت میان یک شورای کارآمد و یک شورای ناکارآمد، دقیقاً در همین تفاوت نگرش و دانش نهفته است. آینده‌ی شهری پایدار، زیست‌پذیر و انسان‌محور، در گرو شورایی است که نه تنها نمایندگان صادق شهروندان باشند، بلکه به‌مثابه معماران اندیشه‌های نو در عرصه حکمرانی شهری عمل کنند. این مهم تنها با یک اراده جمعی آگاهانه در انتخابات شورای شهر ممکن خواهد شد؛ چرا که انتخابی که امروز انجام می‌دهیم، شهری خواهد بود که فردا در آن زندگی می‌کنیم.

استاد تمام دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

خبر خوب از زیستگاه‌های گلستان؛

## آهوها و قوچ‌ها بیشتر شدند

و پارک ملی گلستان و همچنین هفت منطقه شکار و تیراندازی ممنوع، از مهم‌ترین زیستگاه‌های حیات وحش کشور به شمار می‌رود. معاون محیط طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان ادامه داد: استان گلستان با دارا بودن تالاب‌های بین‌المللی و زیستگاه‌های متنوع آبی و خشکی، میزبان ۸۳ گونه پستاندار، ۳۸۰ گونه پرنده، ۵۶ گونه خزنده، هشت گونه دوزیست و ۶۰ گونه ماهی است. وی خاطر نشان کرد: پارک ملی گلستان به عنوان نخستین پارک ملی کشور و یکی از مهم‌ترین ذخیره‌گاه‌های زیست‌کره، با تنوع زیستی بالا شامل بیش از هزار و ۳۶۰ گونه گیاهی، هزار و ۱۰۰ گونه حشره و ده‌ها گونه جانوری، جایگاه ویژه‌ای در حفاظت از تنوع زیستی ایران دارد. حسینی افزود: این پارک با وسعت ۹۱ هزار و ۸۹۵ هکتار در شرق استان گلستان و در محدوده شهرستان گالیکش واقع شده و بخشی از آن نیز در استان‌های خراسان شمالی و سمنان قرار دارد. وی گفت: تنوع اقلیمی استان گلستان که از جنگل‌های هیرکانی تا دشت‌ها و مناطق نیمه‌خشک را در بر می‌گیرد، موجب غنای زیستی قابل توجهی شده اما در عین حال، این شرایط گاهی زمینه طمع و حضور متخلفان و شکارچیان غیرمجاز را نیز فراهم می‌کند.



و میش و کل و بز در مناطق حفاظت‌شده استان همچنان ادامه یابد. وی با اشاره به تنوع زیستی استان گلستان افزود: این استان با برخورداری از مناطق حفاظت‌شده‌ای همچون جهان‌نما، هیرکانیا، لوه، زاو

حیات وحش ایفا می‌کنند. حسینی بیان کرد: با توجه به وضعیت مطلوب پوشش گیاهی و بارش‌های اخیر که به بهبود زیستگاه‌های حیات وحش کمک کرده است، انتظار می‌رود روند افزایشی جمعیت آهو، قوچ

معاون محیط طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان از افزایش جمعیت برخی گونه‌های علفخوار در مناطق تحت حفاظت استان خبر داد و گفت: بر اساس آخرین سرشماری، جمعیت آهو، کل و بز و قوچ و میش در مقایسه با چند سال گذشته ۵ تا ۱۰ درصد رشد داشته است. به گزارش روابط عمومی، سیدمجتبی حسینی اظهار کرد: طبق نتایج سرشماری انجام‌شده در مناطق حفاظت‌شده استان، جمعیت آهو به ۴۱۰ راس، کل و بز به هزار و ۱۸۲ راس و قوچ و میش به ۱۰ هزار و ۲۸۹ راس رسیده است. وی افزود: بهبود وضعیت پوشش گیاهی، اجرای برنامه‌های آبرسانی و تعمیر و بهسازی آبشخورها و همچنین ارتقای امنیت در مناطق تحت حفاظت، از مهم‌ترین عوامل افزایش جمعیت این گونه‌های علفخوار در استان گلستان به شمار می‌رود. معاون محیط طبیعی اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان، همکاری جوامع محلی را نیز از ارکان مهم ارتقای امنیت زیستگاه‌ها عنوان کرد و گفت: ساکنان روستاهای همجوار با مناطق حفاظت‌شده با افزایش آگاهی نسبت به اهمیت محیط زیست، در اطلاع‌رسانی به‌موقع درباره حضور شکارچیان غیرمجاز و همچنین مشارکت در مهار آتش‌سوزی‌ها، نقش مؤثری در حفاظت از

و تعیین تکلیف اموال را تسریع نمایند. طهماسبی ادامه داد: معاونت‌های توسعه مدیریت و منابع دستگاه‌های اجرایی موظف هستند با بررسی دقیق و راستی‌آزمایی اطلاعات موجود، نسبت به تکمیل پرونده‌های مالکیتی و اخذ اسناد رسمی برای تمامی املاک تحت اختیار خود اقدام کنند. وی مولدسازی دارایی‌های راکد را یکی از راهکارهای مؤثر برای افزایش بهره‌وری و تأمین منابع مالی دانست و گفت: هرچه فرآیند تعیین تکلیف اموال دولتی سریع‌تر انجام شود، امکان استفاده از ظرفیت این دارایی‌ها برای توسعه استان نیز بیشتر خواهد شد. استاندار گلستان همچنین به موضوع تأمین مسکن کارکنان دولت اشاره کرد و افزود: با تجمع ظرفیت تعاونی‌های مسکن دستگاه‌های اجرایی و تشکیل یک تعاونی واحد با هیات‌مدیره مشترک، می‌توان زمینه احداث یک شهرک بزرگ مسکونی با امکانات رفاهی و خدماتی مناسب را برای کارکنان دولت فراهم کرد. طهماسبی ابراز امیدواری کرد با همکاری دستگاه‌های اجرایی و پیگیری مستمر کارگروه مولدسازی، روند شناسایی، سنددار کردن و بهره‌برداری از اموال دولت در گلستان شتاب بیشتری بگیرد.

استاندار گلستان با تأکید بر ضرورت تسریع در فرآیند مولدسازی دارایی‌های دولت، گفت: حدود ۸۰ درصد اموال و دارایی‌های دستگاه‌های اجرایی استان فاقد سند رسمی است و این وضعیت باید در کوتاه‌ترین زمان ممکن تعیین تکلیف شود. به گزارش روابط عمومی، علی‌اصغر طهماسبی در جلسه کارگروه مولدسازی دارایی‌های دولت اظهار کرد: شناسایی، ثبت و سنددار کردن املاک دولتی یکی از پیش‌نیازهای مهم برای بهره‌برداری بهینه از ظرفیت‌های موجود و تأمین منابع مالی پایدار برای اجرای طرح‌های توسعه‌ای استان است. وی با اشاره به افزایش هزینه‌های اجرایی و محدودیت منابع اعتباری افزود: مولدسازی دارایی‌های دولت باید با جدیت و سرعت بیشتری دنبال شود تا درآمدهای حاصل از آن در مسیر اجرای پروژه‌های اولویت‌دار و زیرساختی استان به کار گرفته شود. استاندار گلستان با انتقاد از رویکرد صرفاً اداری برخی دستگاه‌ها در این حوزه، تصریح کرد: دستگاه‌های مشمول قانون مولدسازی نباید فعالیت خود را به برگزاری جلسات محدود کنند، بلکه لازم است با حضور میدانی و اقدام عملیاتی، فرآیند شناسایی

## ۸۰ درصد اموال دولتی گلستان فاقد سند است



مجلس در تراز ملت

## نگاهی به پیام اخیر رهبر انقلاب خطاب به نمایندگان مجلس



بهرام جرجانی

پیام اخیر رهبر انقلاب اسلامی ایران خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی را باید فراتر از یک پیام مناسبتی ارزیابی کرد. این پیام، در واقع ترسیم‌کننده بخشی از اولویت‌های کلان کشور در شرایط فعلی است؛ اولویت‌هایی که بیش از هر چیز بر مسئولیت‌پذیری، کارآمدی، همدلی و توجه به مطالبات واقعی جامعه تأکید دارد. آنچه در نخستین نگاه جلب توجه می‌کند، ادبیات آرام و مسئولانه این پیام است. در متن، مفاهیمی مانند «ملت»، «مسئولیت»، «هم‌فزایی»، «نمایندگی واقعی مردم» و «تلاش برای اعتلای کشور» جایگاه ویژه‌ای دارند؛ مفاهیمی که نشان می‌دهد محور اصلی این پیام، تقویت نقش مجلس در مسیر حل مسائل کشور و افزایش اعتماد عمومی است. رهبر انقلاب در این پیام، مجلس را صرفاً یک نهاد قانون‌گذاری معرفی نمی‌کند، بلکه آن را نماد پیوند حاکمیت و مردم می‌داند؛ نهادی که باید بازتاب‌دهنده دغدغه‌ها، امیدها و مطالبات جامعه باشد. همین نگاه، اهمیت پیام اخیر را دوچندان می‌کند؛ زیرا امروز افکار عمومی بیش از هر زمان دیگری انتظار دارد نهادهای تصمیم‌گیر، بیش از هر چیز بر مسائل واقعی مردم تمرکز کنند. از منظر حقوق عمومی نیز، تأکید بر «از جنس مردم بودن» نمایندگان، دارای معنا و اهمیت ویژه‌ای است. فلسفه وجودی مجلس در نظام‌های حقوقی، نمایندگی اراده عمومی و صیانت از حقوق ملت است و هر اندازه ارتباط میان نهاد قانون‌گذاری و مطالبات واقعی جامعه تقویت شود، سرمایه اجتماعی و اعتماد عمومی نیز افزایش خواهد یافت. در بخش دیگری از پیام، بر همدلی و همکاری میان بخش‌های مختلف کشور تأکید شده است. این رویکرد را می‌توان در چارچوب

اصل هماهنگی قوا و ضرورت انسجام در مسیر اداره مطلوب کشور تحلیل کرد؛ موضوعی که در شرایط کنونی، نقش تعیین‌کننده‌ای در افزایش کارآمدی ساختار اجرایی و تقنینی خواهد داشت. همچنین لحن کلی پیام نشان می‌دهد که تأکید اصلی بر آرامش، انسجام، امیدآفرینی و تقویت کارآمدی در ساختار مدیریتی کشور قرار دارد. از همین رو، می‌توان پیام اخیر را دعوتی به مسئولیت‌پذیری بیشتر و توجه جدی‌تر به مطالبات عمومی دانست. واقعیت این است که امروز جامعه بیش از هر چیز، عملکرد مؤثر، تصمیم‌گیری دقیق و توجه عملی به مسائل مردم را مطالبه می‌کند. مجلس نیز به‌عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان حاکمیت، نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق این مطالبه عمومی دارد. پیام اخیر رهبر انقلاب را می‌توان تأکیدی دوباره بر همین ضرورت دانست؛ ضرورتی برای حرکت به‌سمت مجلسی فعال‌تر، پاسخگوتر و در تراز جایگاه ملت ایران. شاید مهم‌ترین نکته این پیام را بتوان در یک جمله خلاصه کرد: مجلس زمانی در تراز ملت قرار می‌گیرد که قانون‌گذاری و نظارت را در مسیر تأمین منافع عمومی و ارتقای اعتماد ملی دنبال کند.

کارشناس حقوق



# گلستان در مسیر بازچرخانی آب

از سفره‌های زیرزمینی، جلوگیری از افت سطح آبخوان‌ها و حفظ پایداری محیط زیست نیز نقش مؤثری دارد. کارشناسان حوزه آب معتقدند استفاده از پساب تصفیه‌شده، یکی از مهم‌ترین مولفه‌های مدیریت نوین منابع آب در جهان محسوب می‌شود که امکان بهره‌برداری چندباره از یک منبع آبی را فراهم کرده و وابستگی به منابع طبیعی را کاهش می‌دهد. در گلستان نیز این ضرورت بیش از بسیاری از مناطق کشور احساس می‌شود چرا که طی دو دهه گذشته میانگین آلودگی چاه‌های استان از ۲۱ لیتر در ثانیه به حدود ۱۲.۵ لیتر در ثانیه کاهش یافته و افت منابع آب زیرزمینی در برخی مناطق به یکی از دغدغه‌های جدی تبدیل شده است. به اعتقاد کارشناسان، ادامه این روند می‌تواند علاوه بر کاهش ظرفیت تأمین آب، مخاطراتی همچون فرونشست زمین و تخریب اکوسیستم‌های طبیعی را تشدید کند. بر اساس سیاست‌های کلان مدیریت منابع آب، استفاده از آب آشامیدنی برای فعالیت‌های صنعتی و مصارف غیرضروری باید به حداقل برسد و تأمین نیاز صنایع از طریق منابع جایگزین دنبال شود. در همین چارچوب، پساب تصفیه‌شده به دلیل کیفیت مناسب و دسترسی پایدار، به عنوان یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها برای تأمین آب صنایع مطرح شده است تا علاوه بر حفاظت از منابع آب شیرین، زمینه توسعه فعالیت‌های صنعتی بدون افزایش فشار بر منابع طبیعی را فراهم کند.



آب شیرین و تأمین پایدار نیازهای تولیدی است. ابوالفضل رحیمی اظهار کرد: زیرساخت‌های جمع‌آوری و تصفیه فاضلاب در گلستان این ظرفیت را ایجاد کرده که روزانه تا ۴۵ میلیون لیتر پساب با کیفیت منطبق بر استانداردهای زیست‌محیطی در اختیار صنایع قرار گیرد. وی افزود: این میزان می‌تواند بخش قابل توجهی از نیاز آبی واحدهای صنعتی را تأمین کرده و از برداشت آب شرب و منابع زیرزمینی جلوگیری کند. رحیمی تصریح کرد: استفاده از پساب علاوه بر کاهش هزینه‌های تأمین آب برای صنایع، در حفاظت

مخاطره مواجه خواهد کرد. وی ادامه داد: شرایط اقلیمی، کاهش بارش‌ها و محدودیت توسعه منابع آب زیرزمینی، ضرورت حرکت به سمت استفاده از منابع جایگزین را دوچندان کرده که در چنین شرایطی، استفاده از پساب تصفیه‌شده به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع جایگزین مورد توجه قرار گرفته است. مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب گلستان از آمادگی استان برای واگذاری روزانه ۴۵ میلیون لیتر پساب استاندارد به صنایع خبر داد و گفت: استفاده از پساب در بخش صنعت، یکی از مؤثرترین راهکارها برای کاهش فشار بر منابع

واگذاری پساب تصفیه‌شده به صنایع، وارد مرحله اجرایی شده است. معاون برنامه‌ریزی و بهبود مدیریت شرکت آب منطقه‌ای گلستان با اشاره به محدودیت منابع آبی استان گفت: حجم منابع آب زیرزمینی قابل برنامه‌ریزی گلستان حدود ۹۸۳ میلیون مترمکعب برآورد می‌شود در حالی که میزان مجوزهای قانونی صادر شده برای برداشت آب از یک میلیارد و ۱۰۰ میلیون مترمکعب فراتر رفته است. حسین دهقان افزود: این آمار نشان می‌دهد منابع موجود با فشار جدی روپرو هستند و ادامه روند فعلی مصرف، پایداری منابع آب را با

تشدید آثار تغییرات اقلیمی، کاهش بارندگی، افت سطح سفره‌های زیرزمینی و افزایش تقاضا برای آب در بخش‌های مختلف، مدیریت منابع آبی را به یکی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه در گلستان تبدیل کرده که در چنین شرایطی، حرکت به سمت بازچرخانی آب و بهره‌گیری از منابع نامتعارف از جمله پساب تصفیه‌شده، به عنوان راهکاری پایدار و اجتناب‌ناپذیر در دستور کار قرار گرفته است تا ضمن حفاظت از منابع آب شیرین، نیاز بخش‌های تولیدی و صنعتی نیز تأمین شود. به گزارش ایرنا، گلستان که بر اساس برآوردهای کارشناسی با کمبود حدود هزار و ۲۰۰ لیتر آب در ثانیه در زمان اوج مصرف مواجه است، در سال‌های اخیر آثار فشار مضاعف بر منابع آبی خود را بیش از گذشته تجربه کرده که این فشار نتیجه برداشت‌های گسترده از سفره‌های زیرزمینی، کاهش منابع تجدیدپذیر و استمرار خشکسالی‌هاست. بررسی الگوی مصرف آب در گلستان نشان می‌دهد حدود ۸۸ درصد منابع آبی در بخش کشاورزی، ۶ درصد در بخش آشامیدنی و ۶ درصد در حوزه صنعت مصرف می‌شود که ضرورت افزایش بهره‌وری و استفاده از منابع جایگزین را بیش از پیش نمایان کرده است. در همین راستا، سیاست‌های ابلاغی برنامه هفتم توسعه بر کاهش مصرف آب، ارتقای بهره‌وری و استفاده از آب‌های نامتعارف برای مصارف صنعتی تأکید دارد که در گلستان با برنامه‌ریزی برای

ناهم‌راهان، «زائد» خوانده شده، چاپ پیش‌شعرهای نیما است، نه پژوهش‌هایی از این دست. گویی دو چیز در این‌جا به هم آمیخته شده، و روشنی سخن از دست رفته است. از اشاره‌های گوینده درمی‌یابیم که او دفتر سوم را هم گردآوری شعرهای نیما می‌داند و هم پژوهشی درباره‌ی روندهای دگرگونی شعر فارسی. این دآوری هرچند بسیار لرزان است، اما چون بیرون از زمینه‌های برگزیده‌ی یادداشت کنونی است، به آن نخواهم پرداخت. معصومی همدانی خوب می‌داند که پیش‌گفتاری بر شعرهای گردآمده، جای خرده‌سنجی‌های کارآموزانه در کار شاعر پیش‌رو نیست.

**نیما شاعری روستایی بود!**

یکی از برجسب‌هایی که در سده‌ی گلنشته، آن را بارها در سرزنش نیما و شعرش به کار برده‌اند، روستایی بودن است. آنان با روستایی خواندن نیما در پی آن بودند که بگویند: دانش، بینش و زبان شعری نیما در تنگنای پرورش روستایی برآمده است. از دید خرده‌سنجان این برداشت با سخنان خود نیما در کنگره‌ی نویسندگان (۱۳۳۵) پستی‌بانی می‌شد: «در سال ۱۳۱۵هـ [۱۹۳۶] ... زمانی که [ابراهیم نوری] در مسقط الرأس ییلاقی خود منزل داشت من به دنیا آمدم. پیوستگی من از طرف جلد به گرجی‌های متواری ... می‌رسد» در سالیان دانش آموزی هم، «وضع رفتار و سکنات من، کناره‌گیری و حجبی که مخصوص بچه‌های تربیت شده در بیرون شهر است موضوعی بود که در مدرسه مسخره برمی‌داشت»، «در مدرسه خوب کار نمی‌کردم، فقط نمرات نقاشی به داد من می‌رسید...» اگر روستایی بودن را زمینه‌ی ارزش‌دآوری درباره‌ی شعر نیما بدانیم، برداشت معصومی همدانی از روستایی بودن جهان نیما آشکارا نادرست و نشانه‌ی ناآشنایی او با زندگی نیما و ریشه‌های گرایش او به کوهستان است. معصومی همدانی می‌گوید «یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های شعر او، وارونه کردن نسبت میان شهر و روستا در شعر است.» نشانه‌های این وارونگی چیست؟ «شعر کلاسیک ما مملو از تحقیر و ملامت او (روستایی) است.» معصومی همدانی بی هر نمونه‌ای از شعر کهن، می‌گوید: «شاعران ما از قدیم مردم را از رفتن به روستا برحذر می‌داشتند.» این سخنان نیازمند بررسی بیش‌تر و درستی آزمایش‌اند. در فرهنگ کهن، شهر و روستا در برابر هم نبود. بسیاری از شاعران و دانش‌مندان بزرگ از روستاها برآمده بودند. برخی نویسندگان روستایی را نماد نادانی می‌دانستند. غزالی می‌نویسد: «شش گروه به شش گناه اندر دوزخ شوند امیران به جور و عرب به تعصب و مالداران به کبر و بازرگانان به خیانت و اهل روستا به نادانی و علما به حسد.» ویژگی دیگر روستایی، «استیزانده‌گی است، «ستیزانده چون روستایی بود» (نظامی). با نگاه به هم‌این جنگندگی، سپاهیان و سران سپاهی را از روستا برمی‌گزیندند. وانگهی در آن روزگار، شهر هم گسترش چندانی نداشت که بخواهد در برابر روستا بایستد. نیما زاده‌ی کوهستان بود. اما کوه‌زادگی، مایه‌ی پس‌افتادگی او از پرورش شهری نبود. چند سال پس از پیروزی آغازین جنبش مشروطه در نوجوانی به تهران گام نهاد. آموزش‌های نونهالی را در دبستان رشیده (۱۲۸۷) و سپس سن‌لویی فرا گرفت (تاریخ گواهی‌نامه، ۱۵ تیر ۱۲۹۶). بزرگان خانواده‌ی او در تهران بالیده بودند. خودش هم، بیش‌تر روزها و سال‌های زندگی را در شهر گذرانده بود. اما هم‌جوشی با رخ‌زاده‌های مشروطه، افتادن در میانه‌ی جنگ جهانی نخست و پی‌آمدهای دیگر، آن مانند جنبش جنگل، او را بیش‌تر به جنگ‌جویی گریزان از شهر مانند می‌کرد. نیما دل‌بسته‌ی جنگ و جنگل بود. از یوش به مادرش نوشت: برادرم به ولایت نزدیک شده. لشگر گرسنه‌ها در حوالی کازل‌دشت هستند. شیطان با فرشته می‌جنگد» (در ۱۳۰۰، نامه‌ها، ۱۳۳۸، ص ۲۰). به لادین می‌نویسد: «بعد از این ... یک زندگی تازه را می‌خواهم برای خودم بسازم؛ زندگی در جنگل‌ها و جنگ‌ها» (در ۱۳۰۰، نامه‌ها، ص ۲۴). چنان‌که مجتبی مینوی در نخستین دیدار او را همانند یک جنگ‌جوی بخارایی یا قفقازی می‌یابد، نه یک روستایی. اگر روستایی بودن نیما را نه‌ی وارونه‌گردانی شهر و روستا در شعر او بدانیم، برداشت معصومی همدانی، سرراست نیست. نیما در پی آموزش‌های مدرن آن‌روزها به ویژه براب‌ر جنبش پاستورال، در دل‌بستگی آغازین به کوهستان، سرچشمه‌های بالندگی شعری خود را بازمی‌جست. «به ولایت [یوش] آمدم. اما باز هم خوشحال نیستم... هنوز خیالات من اینقدر پرانگده است که متوجه‌دقایق مناظر قشنگ کوهستان خودمان نیستم. حرکات آب، وزش نسیم، درخشیدن ماه، موقعیت شب‌ها و طراوت چمن کجا در نظر من جلوه‌ای دارد» (در ۱۳۰۰، ص ۲۳).

نیما در نامه‌ی دیگری می‌نویسد، می‌خواهی بلانی در دره‌های وطن‌ چطور بسر می‌برم؟ همان‌طور که وحوش» (در ۱۳۲۳، ص ۲۱۳). «من از میرکا، گاو‌جنگی معرفی که در حوالی جنگل نزدیک منزل دارد، یاد می‌گیرم. میرکا جان دل است... همه جامشهور است اما ابدا برای شهرت خود زحمت نکشیده است. این است حقیقت لیاقت داشتن یک شهرت واقعی» (هم‌آن). بازنگری نامه‌ها روند سرخوردگی او را از شهر آشکار می‌کند، به لادین می‌نویسد، «قصه رنگ پریده را وقتی نوشتم که در شهر بودم. ببین آن روزها من چطور فکر می‌کردم» (ص ۲۳). یوش بهانه‌ی دل‌بستگی نیما به زندگی آرمانی کوهستانی بود. با آن‌که همیشه می‌خواست به آن‌جا برود و یک بار هم به راستی چنین کرده بود، هیچ‌گاه نتوانست از شهر بیزد.

**پایان کدام افسانه؟**

دانش‌ور گران‌مایه، معصومی همدانی درباره‌ی بخشی از پیش‌گفتار بر کتاب از غریب من می‌گوید:

«تحقیق موشکافانه و بسیار دقیقی است که با تکیه بر نمونه‌هایی از شعر قدیم و شعر معاصران نیما نشان می‌دهد که نوآوری صوری اصلی نیما یعنی شکستن قید تساو‌ی مصرح‌ها ریشه در قالب قدیمی مستزاد دارد. اهمیت این تحقیق در این است که به یک افسانه جافتاده پایان می‌دهد. بر اساس این افسانه نوآوری نیما نتیجه آشنایی با شعر اروپایی بود. و البته باید گفت که خود نیما و پیروان و شاگردان او در جا افتادن این افسانه بی‌تاثیر نبودند. اما جای این پرسش هست که چرا دیگرانی که معاصر نیما بودند و بسیار پیش از او با شعر جدید اروپایی آشنایی داشتند، منشا چنین تحولی نشاندند و قرعه فال به نام نیما دیوانه افتاد.» (از دقیقه ۴۲ و ۱۲ ثانیه) او در این فراز بر گزاره‌های زیر دست می‌گذارد:

۱. نوآوری «صوری اصلی» نیما، هم‌آن کوتاه‌وبلندی لخت‌های شعر است.
۲. نمونه‌هایی از شعر قدیم و معاصران نشان می‌دهد، نوآوری نیما در کوتاه‌وبلندی ریخت شعر، ریشه در مستزاد دارد
۳. این دیدگاه که نوآوری نیما در کوتاه‌وبلندی مصرع‌های شعر، برآیند آشنایی با شعر

اروپایی بود، یک افسانه (سخن نادرست و بی‌پایه) است، یک افسانه‌ی جا افتاده.
۴. چون کسی نمی‌داند نیما تا چه اندازه با شعر اروپایی آشنا بود، پس نوآوری او برخاسته از شیوه‌ی نوشتن شعر نو در زبان اروپایی نبود.

### نوآوری نیما در پیکره‌ی شعر

یکی از زمینه‌های ستیز میان شاعران در سده‌ی گذشته، نگرش به مرزهای نوآوری نیما بود. رشید یاسمی درباره‌ی خیزهای آغازین دگرگونی شعر فارسی، به‌ویژه در «تجدید صورت» از دگرسانی آرایش قافیه و «شکستن وزن‌های [شعر] فارسی» سخن گفت، او آشکارا سروده‌های نیما تا سال ۱۳۱۵-۱۳۱۶ را نمونه‌های نوآوری در شعر فارسی نمانست. پیش از یاسمی (ادبیات معاصر، ۱۳۱۶)، ادوارد براون (تاریخ مطبوعات، ۱۹۱۴) با بررسی روند دگرگونی فرهنگی در ایران، نشان داده بود که شاعرانی مانند عارف قزوینی، سید اشرف‌الدین و دهخدا در جست‌وجوی دگرگونی شعر فارسی از پیکره‌های قصیده و غزل به مسمط و مستزاد روی آورده بودند. براون، گرایش پوراود را به گنج‌نابیند وژگان پارسی در سروده‌ها، بخشی از نوآوری در شعر می‌خواند. براون از بُرد جابه‌جایی قافیه در دگرگونی ساختمان شعر چیزی نگفت، اما آن را در کار دهخدا برگرفته از شعر اروپایی دانست. نخستین نمونه‌های دگرسانی پیکره‌ی شعر فارسی، چنان‌چه نیما نیز یادآوری کرده است، با برگردان نمایش نامه‌های مولیر آشکار شد. در برگردان مردم‌گریز مولیر (شاید میرزا حبیب اصفهانی) با شکستگی در لخت‌های سخن روبه‌رو می‌شویم:

اگر ...

مونس: نه، گر رومٔ سر، نمی‌گذارم پای.

حق است یا ناحق؟

ناصر: تکیه بر حقت منم‌ای.

مونس: به هیچ روی نجنبم ز جا

ناصر: عدو میسنلد.

چه هست سخت ز تدبیر ...

مونس: نیستم در بند.

(گزارش مردم‌گریز، ویرایش افشار، ص ۴۹)

برگردان مولیر، نخستین‌بار در ۱۲۸۶ ق./ ۱۲۴۸ خورشیدی به چاپ رسید (افشاور، ۱۳۷۸، ص ۲۱). پنجاه سال دیگر، نیما در افسانه به هم‌این روش، لخت‌ها را بازویسته کرد، اما او آغازگر این شیوه نبود:

افسانه ... من یکی قصه‌ام بی‌سر و بن!

عاشق: تو یکی قصه‌ای

افسانه ... (آری آری

قصه‌ی عاشق بی‌قراری

یک‌سال پس از سرودن افسانه، ابوالقاسم لاهوتی، برگردان شعر سنگر خونین، سروده‌ی ویکتور هوگو را به روش لخت‌های شکسته، چاپ کرد:

رزم‌آوران سنگر خونین شلند اسیر

با کودکی دلیر

به سن دوازده.

– آنجا بُلی تو هم؟

– بله

با این دل‌آوران (تاریخ تحلیلی شعر نو ۱، ص ۷۰).

پیش از لاهوتی، شمس کسمایی در سروده‌ی پرورش طبیعت (آزادبستان ۴، ۲۱ شهریور ۱۲۹۹)، برابری لخت‌های شعری را شکست. سروده‌ی او، کهن‌ترین نمونه‌ی شکسته شدن لخت‌های شعری شناخته می‌شود. نیما در نامه‌ی به ذبیح‌الله صفا می‌نویسد در رشت نیم‌تنه‌ای کار کسمائی را دیده، و بی‌درنگ می‌افزاید، او «برادر شاعر معروف گیلان است که من به او اعتقاد دارم» (در ۱۳۰۸، ص ۳۵). معصومی همدانی به پشتوانه‌ی نوشته‌ای که آن را «پژوهشی موشکافانه و بسیار دقیق» یافته است، گمان می‌برد در تاریخ شعر نو، کوتاه‌وبلندی لخت‌های شعر به نام نیما نوشته شده، و برگرفته از مستزاد است. آن‌گاه به پشتوانه‌ی هم‌آن نوشته، نشانه‌های آشکار رخنه‌ی شعر اروپایی در شکستن و بازویسته کردن لخت‌های شعری را ناپژوهیده می‌گذارد، و آن‌ها را «افسانه»، یعنی چیزی جا افتاده و باورپذیر شده، اما از دید او نادرست می‌خواند.

### همه چیز باید نوسازی شود

وارونه‌ی سخن معصومی همدانی، کوتاه‌وبلندی لخت‌های شعری، نوآوری نیما نبود. این دگرگونی، سال‌ها پیش در شعر اروپایی و سپس در کارهای نویسندگان ترک پدید آمده و از آن‌جا به شعر فارسی راه یافته بود. نیما در ارزش احساسات و جاهای دیگر یادآوری کرده، خود را نخستین شاعری نمی‌داند که لخت‌های شعری را شکسته است. از دید نیما رسیدن به سرآغاز نوآوری در کار هر شاعری، راه رسیدن به سرنخ‌های پیشین در کار شاعران دیگر را باز می‌کند: «در روزنامه نوشته بودند: اول کس که شعر آزاد گفت منم. من یا دیگری چه فایده دارد... چون هر چیز به تدریج پیدا می‌شود. هر اولی از یک اول دیگر که پیش از او بوده است، چیزی گرفته است. انقلاب در هر مورد با جمع معنی پیدا می‌کند» (حرف‌های هم‌سایه ۸۴). نیما پس از چاپ شعرهایی در نامه‌ی موسیقی به آن‌جا رسید که با کوتاه‌وبلندی لخت‌های شعری نمی‌توان بر نارسایی‌های شعر فارسی چیره آمد، پس از آن، دستور کار نیما نوسازی همه‌سویه شعر و ادبیات شد: «ادبیات ما باید از هر حیث عوض شود. موضوع تازه کافی نیست و نه این کافی است که مضمونی را بسط داده به طرز تازه بیان کنیم. نه این کافی است که با پس و پیش آوردن قافیه و افزایش و کاهش مصرع‌ها یا وسائل دیگر، دست به فرم تازه زده باشیم. عمده این است که طرز کار عوض شود.» (حرف‌های هم‌سایه ۴۰). این سخنان می‌رساند که نیما از آزمون‌ها و دست‌آوردهای گذشته،

که تأثیرپذیری از این ادبیات بسیار عمیق و زاینده بود (هنرمندی، بنیاد، ۲۰۹). هیچ‌یک از هم‌کاران رسانه‌ای و معلمان دانش‌کده‌های آن روزگار، یادداشتی به جای نگذاشته‌اند که نشان دهد دیدگاه‌های نیما را به این بهانه که ما نمی‌دانیم او تا چه اندازه با زبان و شعر فرانسه آشنا بود، پس زده باشند. نه تنها دیدگاه‌های نیما درباره‌ی شعر فرانسه، بی‌مایه نبود، که یادداشت‌های حسن هنرمندی، کوشاترین آموزگار آشنایی با شعر فرانسه در دهه‌ی ۱۳۳۰ گواهی است بر ارزش برداشت‌های نیما از شعر فرانسه در آن روزگار.

### خانلری، نیما و واران

سخنان خانلری در خرده‌سنجی به کار نیما به‌ویژه درباره‌ی ساخت‌شکنی دستوری گزاره‌ها، ناآشنایی او را با روند دگرگونی‌های شعر فرانسه بیش‌تر آشکار می‌کند. الهی برداشت‌های نیما را از کار امیل واران، شاعر فلاماند (فلااندری - بلژیکی) یادآوری می‌کند، اما خانلری در واکنش می‌گوید: «این هم از کج‌سلیقه‌ی‌های او است، فرانسویها معتقدند که فرانسه، بلژیکی‌ها تمام سلاست زبان فرانسه را خراب کرده است.» خانلری از روند بالندگی شعرهای نیما-چنان دور بود که نمی‌دانست نیما در شعرهای پس از ۱۳۱۵ از رومان‌تیسیم به سمبولیسم چرخش کرده بود. به الهی گفت: «این شاعری که از او نام بردید اصلاً رمانتیسیت نیست، بلکه از سمبولیست‌های به نام است، از این جهت مورد انتقاد است که کوشیده تادر شعر فرانسه لغات و گاه‌به‌قول‌شمانحو زبان [فلاماند] [فلااندری] را به صورتی جا بدهد... اگر نیما گفته است که از وهران متأثر بوده تأثر من بیشتر می‌شود [نیما سی سال پیش این سخن را در نامه‌ی موسیقی نوشته بود] چون مدلی که او انتخاب کرده، به فرض آن که واقعا زبانش را هم می‌فهمیده، ملل خوبی برای زبان شعر نیست.» خانلری ره‌جویی نیما از کارهای امیل واران را کج‌پسنلی می‌نامد، اما مالارمه پیش‌تاز جنبش مدرنیسم در فرانسه (هوگو) او را «شاعر عزیز و امپرسیونیست من» می‌نامید، سروده‌های واران را در شمار نمونه‌های برگزیده‌ی شعر آزاد خوانده است. مالارمه در یادداشت درخشانی که در پرسه‌ها به چاپ رسیده (۱۸۹۷)، بر گسست شعر آزاد از ساخت اپرا یا ناستروفیک (strophic) چیلن بندهای پی‌درپی به یک آهنگ با بندگردان، مانند افسانه‌ی نیما که یک‌نواختی آن از ساختمان قصیده کم‌تر است، درنگ می‌کند: «آنچه در شعر آزاد تازه است، از جنس فهم بیانی قرن هفدهم نیست که شعر را وابسته به افسانه و اپرا می‌دانست ... چیزیست که می‌توان آن را طبیعت [چندشکلی] [ش نامیده و می‌توان در شعر آزاد فرم رسمی شعر را منحل فرض کرد؛ فرم در هر لحظه به آن شکلی درمی‌آید که شاعر بخواهد.» و از شاعرانی نام می‌برد که در این راه پیش‌تاز بوده‌اند «من اسلمی زیر را در مقام موارد نوعی دیگر [نه پیوسته با اپرا] فقط به عنوان شاعری بر آن چه می‌گویم ارائه می‌کنم: آقایان مورس، ورهاترن [امیل واران]... و تعدای دیگر» (زبان و شاعری، برگردان چهارزی، ۵۳-۵۴).

سنجی دوری درباره‌ی ارزش نشانه‌گذاری سروده‌های واران بر روش نوشتن شعر کلام است؟ دانش خانلری از شعر فرانسه، یا گزارش مالارمه از پیش‌تازی کار او؟ دوری خانلری درباره‌ی سروده‌های نیما، گسستی بزرگ را در زیبایی‌شناسی شعر فارسی نشانه‌گذاری کرد. پی‌روی دانش‌کده‌ای که آرزوی پرچمداری نوشتن شعر را در سر می‌پروراندند، پشت خانلری رج استاندند، و شاعران هم‌اوا با روند دگرگونی شعر در جهان، در سوی دیگر، گستره‌های آموزش ادبیات و آفرینش ادبی به روشنی مرزبنایی شده بود.

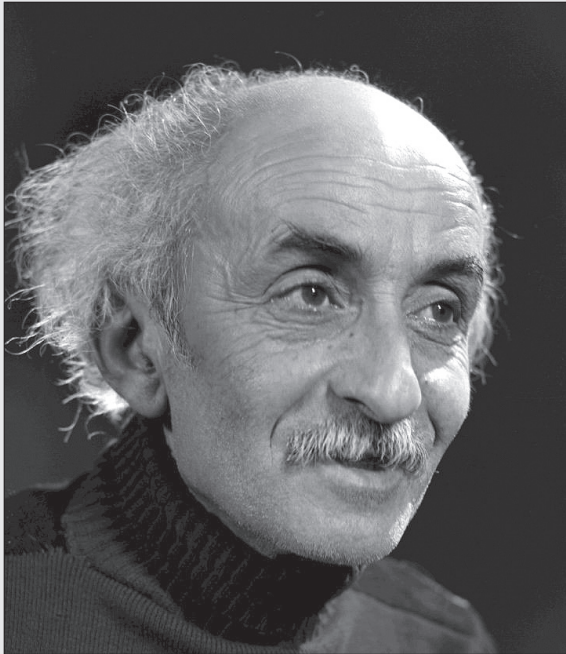
### چرا نیما و نه دیگران

بر زمینه‌ی هم‌این شکاف میان آگاهی خانلری از شعر فرانسه و شناخت نیما معصومی هملانی می‌گوید، اگر شعر اروپایی رانمای نیما به دگرگونی بود، چرا کسانی که پیش از او با شعر اروپایی آشنا شده بودند، نتوانستند به این دگرگونی برسند؟ نارسایی پرسش استاد معصومی هملانی در آن است که نمی‌تواند میان آشنایی شاعران و نویسندگان ایرانی با گرایش‌های گوناگون شعر فرانسه مرکزگاری کند. این درست است که پیش از نیما نویسندگان ایرانی با شعر فرانسه (روپایی) آشنا شده بودند، اما برای نمونه، آشنایی دهخدا با نوشته‌ها و شعرهای «شاتو بریانه و هوگو» (صویراسرافیل، ش ۲۷، ص ۳)، چگونه می‌توانست به نوآوری در ساخت شعر راه برد؟ مالارمه در نگاه به کار هوگو، گفته است: او همه‌گونه نوشته، «فلسفه، علم بیان و تاریخ را به شعر درمی‌آورد» و چون خودش شعر مجسم بود، ایده‌ای باشکوه آفرید که بر پایه‌ی آن، «فرمی که شعر می‌نامیم، فی‌نفسه همان ادبیات است، و به محض این که بر انتخاب واژگان تکیه شود شعر ایجاد می‌شود» (زبان و شاعری، ۵۰). سخن مالارمه، یادآور هم‌سانی سخن‌وری (استادی سخن) و شاعری است، اما شعر مدرن بر گسست میان آن دو استوار شد. از دید مالارمه و شاعران و نویسندگان پیش‌روی آن روزگار (معصومی هملانی به‌ژد اشاره کرده است) ناپدیدشدن آن‌غول (هوگو)، گاه‌رویزی ساختمان‌برکشیده‌ی شعر بود. این زمینه‌چگونه می‌توان پرسید چرا آنان در پی آشنایی با شعر فرانسه (روپایی) به دگرگونی در شعر راه نبردند؟ خانلری در خرده‌سنجی بر شعرهای نیما گفته است، در روزگار نیما پیش‌رفته‌ترین گرایش ادبیات اروپایی در مدرسه‌ی سن‌لویی، رمانتیسیم بود، از دید او، شاعرانی مانند دوده، دو موسه، دو لیل، شاتو بریان، دو وینی، لامارتین، هوگو و گوئیه، چهره‌های سرشناس شعر اروپایی در میان ایرانیان بودند. گرایش همه‌ی این شاعران به رمانتیسیم بود و در چارچوب ساخت‌ناستروفیک شعر می‌نوشتند، استاد معصومی هملانی می‌تواند بگوید که از کار این شاعران کلام دگرگونی می‌بایست در ساختمان شعر فارسی پایدار شود؟ معصومی هملانی آن‌گاه به شعر ماه در مرداب برمی‌گردد؛ چیلمان ناستروفیک آن را نمونه‌ای از نوگرایی در شعر فارسی می‌یابد، و ریخت بیرونی آن را برآمده از آشنایی با شعر اروپایی می‌خواند. از این سنجش درمی‌یابیم که در نگاه استاد معصومی هملانی، تا هنگامی که روشن نشود نیما در پی‌ریزی ساختمان شعر نو از کلام الگوی شعر اروپایی لخت به لخت، پی‌روی کرده است، نمی‌توان کار او را آموخته از شاعران فرانسوی یا اروپایی دانست. با این نگاه، بی‌بررسی هر نشانه، درست‌انگاری، یا نمونه‌ای می‌پذیرد که نوآوری نیما بر مستزاد استوار است. به نارسایی این بخش از سخنان استاد معصومی هملانی در بررسی مقدمه‌ای از غریب من در هم‌این کاتال خواهم پرداخت.

در پوه‌ی زبان فارسی

گزیده‌ی یادداشت‌ها در فرهنگ، زبان و ادبیات

<https://t.me/OnPersianLanguage>



شعری چنان پذیرفته بود که هیچ‌کس نیازی نمی‌دید درباره‌ی آن سخنی بگوید یا بنویسد. معصومی هملانی جایی که گذشتن از برابری لخت‌های شعری را نوآوری نیما می‌خواند و می‌پذیرد که برگرفته از شعر اروپایی نبود، برای درست‌انگاری سخن خود می‌گوید: «جای این پرسش هست که چرا دیگرانی که معاصر نیما بودند و بسیار پیش از او با شعر جدید اروپایی آشنایی داشتند، منشا چنین تحولی نشدند و قرعه فال به نام نیما دیوانه افتاد» (از دقیقه ۴۲ و ۱۲ ثانیه) این سخنان با آگاهی‌های گسترده از تاریخچه‌ی دگرگونی‌های شعر نو هم‌خوان نیست. گذشتن از برابری لخت‌های شعری، نخستین‌بار در کار شاعرانی مانند میرزا حبیب اصفهانی، جعفر خامنه‌ای، تقی رفعت، شمس کسمایی و لاهوتی آشکار شد که به آشنایی با زبان فرانسه یا یکی از زبان‌های اروپایی (به جز عثمانی) شناخته بودند. وانگهی در گستره‌ی پویایی که هر روز، خواندن شماری از شعرها و نمونه‌های ادبیات اروپایی به خوانندگان ایرانی پیش‌نهاد می‌شد، روی آوردن به نوآوری تاچه اندازه به آشنایی با زبان فرانسه (یا اروپایی) وابسته بود؟ نیما در ارزش احساسات از شعرهای انگلیسی والت ویتمن نوشت، مگر او با زبان انگلیسی آشنا بود؟ (نمونه‌هایی از شعر ویتمن در نوهار و روزنامه‌های دیگر چاپ شده بود، اگر به اشاره‌های نیما درباره‌ی روند آشنایی اش با زبان فرانسه بازگردیم، زمینه‌های آزمون درستی سخن خانلری، و سنجش گران دانش‌کده‌ای این نگاه آشکار می‌شود. نیما در کنگره‌ی نویسندگان گفت: دوره‌ی تحصیل من از اینجا [مدرسه‌ی عالی سن‌لویی] شروع می‌شود. ... این دوره مقارن بود با سال‌هایی که جنگ‌های بین‌المللی ادامه داشت. من در آن‌وقت اخبار جنگ را به زبان فرانسه می‌توانستم بخوانم. ... آشنایی با زبان خارجی راه تازه را در پیش چشم من گذاشت. ثمره‌ی کاوش من در این راه بعد از جدایی از مدرسه و گذراندن دوران دلدادگی بانجام ممکن است [برسد که] در منظومه [افسانه] من دیده شود. نیما چند جای دیگر نیز درباره‌ی آشنایی خود با زبان فرانسه نوشته است.

### زبان فرانسه، نیما و شعر اروپایی

افزون بر آن‌چه یادآوری شد، نیما جای دیگری درباره‌ی آشنایی خود با زبان فرانسه به لاین نوشت: «روسی اینقدر می‌دانم که ... می‌فهمم زیر این کارت نوشته شده است: کریمه و افسوس می‌خورم چرا به جای فرانسه، با این زبان آشنا نیستم» (نامه‌ها، ۳۳۴). در نامه‌ی دیگر، باز هم به لاین می‌نویسد: «شاید بتوالم شاگرد پیدا کنم، علم‌التربیه یا معرفه‌الفنسا یا ادبیات و فرانسه درس بدهم» (نامه‌ها، سال ۱۳۰۸، ۳۴۸). استاد شفیع کلکنی با نگاه به ارزش احساسات می‌نویسد: «او با همه‌ی تظاهری که به فرانسه‌دانی و شناخت شعر فرنگی ... نشان داد، هیچ‌گاه یک سطر از شعر فرنگی ترجمه نکرده است» (با چراغ ... ص ۲۰۶). خوب، اگر برگردانی از شعر فرانسه هم به چاپ رسانده بود، خرده‌گیران نمی‌توانستند بگویند آن را محمضیاء هشترویدی یا دوستان و شاگردان دیگری به نام او نوشته بودند؟ چنان که امروز ترجمه‌های انگلیسی شفیع کلکنی از کتاب‌هایی که برگردان عربی آن‌ها هم در دست‌رس بوده است، چه بسا زبان خرده‌سندگان را دراز کند که مگر او تا چه اندازه انگلیسی می‌دانست (با همه‌ی فرصت‌های مطالعاتی چند دهه‌ای در آمریکا، حتی یک پوشه‌ی سخنرانی یا درس‌گفتار به زبان انگلیسی از او در دست‌رس نیست)؛ آیا «مذعیان» نمی‌توانند بگویند، با همه‌ی تظاهری که شفیع به انگلیسی‌دانی می‌کند چرا هرگز کتاب‌های شعر و علم ریچاردز، یا تفسیر ماتی خاستگاه شعر را به چاپ نرساند (چاپ این کتاب‌ها را در روکش‌برگردان جلد کتاب شعر معاصر عرب، ۱۳۵۹، نوید داده بود). چنان‌که محمد مصدق با هم‌این شیوه‌ی درست‌انگاری، فرانسه‌دانی دهخدا را به چالش کشید. اشاره‌ی نیما به آشنایی با زبان فرانسه در این‌جا به پایان نمی‌رسد. او در روزهایی که شماری از پراورانه‌ترین شعرهای خود را (غراب، گل مهتاب و ققنوس) برای نخستین‌بار به چاپ می‌رساند، در گفتار بلندی با نام ارزش احساسات به روشن‌گری شیوه‌ی نوشتن شعر خود پرداخت، به گونه‌ای گسترده از آشنایی اش با شعر جهان پرده‌برداری کرد و با اشاره به هم‌آیندی پیکره و درون‌مایه‌ی شعرهای والت ویتمن و امیل واران بر روش آن‌ها در نوشتن شعر درنگ نمود، و کوشید تا شالوده‌ی کار خود را در دگرگونی شعر بازگو کند. این برداشت‌ها که برای نخستین‌بار در زبان فارسی به چاپ می‌رسید، بی‌آشنایی ژرف با دگرگونی شعر در زبان فرانسه دست‌یافتنی نبود. در میان آشنایان با دگرگونی شعر فرانسه، حسن هنرمندی با سنجش کارهای بهار و نیما نوشت: «برخورد بهار با ادبیات سرشار فرانسه بسیار شتابزده و تفتن‌آمیز بوده است، بر خلاف نیما

یک‌سره برینله و به روش نوین کار خود رسیده بود. با هم‌این نگاه (به‌ویژه درباره‌ی کارکرد قافیه) نوشت: «شعرهای مرا در مجله موسیقی دلیل قرار ندهید. به شعرهای اخیر من ... رجوع کنید» (حرف‌های هم‌سایه ۴۷).

### آوازه‌های ناساز

پس از چاپ شعرهای غراب، ققنوس، اندوه‌ناک شب، و ... در نامه‌ی موسیقی، نیما در جایی فراتر از همه‌ی شاعران هم‌روزگار ایستاد. این رخداد به معنای آن بود که شاعران دیگر، برای بازیابی جلی‌گاه خود، ناگزیرند که به شعرهای نیما واکنش (پذیرش یا نه) نشان دهند. دسته‌بندی شاعران به واپس‌گرا و پیش‌رو هم کارایی نداشت. زیرا واپس‌گرایی، انگی بود که هر یک به دیگری می‌زد. هیچ شاعری خرسند نبود که شعرهای خود را تهی از برجسب نوآوری ببیند. بر زمینه‌ی هم‌این کش‌مکش، جنگ جلی‌گاه‌ها درگرفت. شماری از شاعران ناهم‌سو با نوگرایی، به بهانه‌ی دل‌سوزی و هواداری از شعر کهن در برابر دگرگونی شعر ایستادند. خانلری که خود از پیش‌روان ایستادگی در برابر شعر نیما بود، انگیزه‌ی سرزنش آنان را «حفظ آثار گذشتگان» ندانست، که «در پی سود و زبان خویش» بودند (هفتاد سخن، شعر، ص ۲۹۲). هر چند نیما در یادداشت‌ها و نیز نامه به این و آن، بارها گفته بود که خود را نخستین شاعر گذرنده از برابری لخت‌های شعر نمی‌داند، اما او و همه‌ی کسانی که در روند نوسازی شعر فارسی دستی داشتند، می‌دانستند این رخداد پی‌آمد آشنایی با سروده‌های شاعران اروپایی بوده است. از این رو، گفتن این که «نوآوری اصلی نیما یعنی شکست قید تساوی مصرع‌ها ریشه در قالب قدیمی مستزاد دارد»، سخنی پژوهش‌گرانه نیست. هیچ‌یک از بخش‌های این سخن را در روند پیدایش و گسترش شعر نو نمی‌توان درست‌انگاری کرد.

### سنجش شعر نیما از دید خانلری

واکنش خانلری به شعر نیما از گونه‌ی دیگری بود. او که در دهه‌های ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ در راه استادی تراز زبان فارسی گام برداشت، به خرده‌سنجی خود رنگ علمی و پژوهشی می‌بخشید. در سال ۱۳۳۴ خانلری با نگارش «در وزن شعر چه کار تازه می‌توان کرد»، شالوده‌ی خرده‌سنجی‌های آینده بر شعر نیما در فرادناخت. از دید او، برای پایه‌گذاری شالوده‌ی وزن تازه، شاعر باید روشن کند «بجز امتداد چه صفت دیگری در هجاهای کلمات فارسی هست ... که آن را می‌توان جانشین امتداد قرار داد؟» (ص ۳۰۴). به سخن دیگر، شاعر نوآور باید در بررسی شعر فارسی، پیشینه‌ی پذیرفتنی از شناخت شعر و وزن عروضی داشته باشد. خانلری در گفت‌وگو با الهی (۱۳۲۵)، گفت: «نیما بدون آشنایی با موازین موسیقی شعر، شروع به شکستن قالب‌های شعر فارسی کرد» (ایران‌شناسی، ص ۱۲، ص ۸۲۴). گرفتاری نیما «آگاهی‌های کم او از شعر قدیم فارسی و عروض فارسی از یک سو، و تصور اطلاع از ادبیات اروپایی از سوی دیگر» بود. گفتن این‌که شناخت نیما از شعر فارسی اندک بود، یا از شعر اروپایی آگاهی نداشت، دوری‌ای فراتر از شعر است، (بسنجید با سخنان شفیع کلکنی در با چراغ و آینه و معصومی هملانی در نشست رومانی)، سخن دانش‌ورانه باید به خود شعر برگردد و نشان دهد که نشناختن شعر فارسی یا ناآگاهی از شعر اروپایی، چگونه به کزتابی در پیکره‌ی شعر نیما راه برده است. از دید خانلری، نیما «تا وقتی که مدعی ابداع وزن تازه نشده بود، شاعر متوسطی بود، بعد از آن به صورت نظر به‌پردازی درآمد که خود را تحقق‌بخشیدن به فرضیه‌اش عاجز بود» (ایران‌شناسی، ص ۸۲۴). برداشت خانلری از شعرهای نیما درست نبود، او وزن تازه‌ای به شعر نیفرزده بود، در شیوه‌ی کاربرد وزن بازنگری کرده بود. هنگامی که الهی، هم‌آهنگی سخنان خانلری را دربرگشت به دانش نیما و شعرهای او به چالش کشید، پاسخ او با هم خرسندکننده نبود. خانلری در آن سخنان کوشید شعرهای فریدون تولی و گلچین گیلابی را نمونه‌های سرآمد نوآوری شناسایی کند. او برای نخستین‌بار، فرانسه‌دانی نیما را به پرسش گرفت، و بی‌آن‌که نشان دهد ناآشنایی با زبان فرانسه، نشانه‌های خود را چگونه بر شعر نیما نهاد، بر دوری تک‌سویه‌ی خود پای فشر.

### واکنش نیما به خرده‌سنجی‌ها

کسی که بُردارزش‌دوری‌های خانلری را به روشنی بازشناخت، «سویه‌های پی‌گیرانه‌ی آن را آشکار کرد، خود نیما بود. نیما در واکنش به دیدگاه‌های خانلری درباره‌ی بایدهای بازسازی شالوده‌ی وزن تازه، چنین می‌اندیشید، «خیال می‌کند من کشف وزن کرده‌ام، ولی نمی‌دانم من کشف طرز بیان را کرده‌ام، این جوان می‌خواهد پیشوایی شعر را از دست من بگیرد ...» (یادداشت‌های روزانه، شرآکیم، بوشیچ، ص ۲۱۵) بخش پایانی سخن نیما نشان می‌دهد که او خرده‌سنجی‌های خانلری را در چارچوب ستیز بر سر جای‌گاه و پیشوایی درمی‌یافت. از دید نیما خانلری نه تنها می‌کوشید پیشوایی شعر نو را از دست نیما بیورود، هم‌چنین می‌کوشید ره‌بری سنجش‌دوری شعر نو را به نام خود بنویسد. کار پی‌گیرانه‌ی شاعران و پژوهش‌گران آزاد و روشن‌گری‌های پیوسته‌ی آنان، نارسایی‌های روش خانلری را آشکار کرد. خانلری تا پایان روزهای سخت زندگی، سرزنش نیما را رها نکرد، و آن را چونان روشی به پی‌روان خود سپرد.

### زبان فرانسه، نیما و شعر اروپایی

نخستین بار دهخدا در نامه‌به معاضدالسلطنه، اندیشه‌ی سنجش شعر روزگار خود را با شعر اروپایی به میان آورد. پس از او شاعران نوگرایی ایرانی در نوشتن شعرهای تازه، این اندیشه را پیش بردند. سنجش پیوسته‌ی شعر آن روزگار با شعرهای اروپایی، به معنای آن بود که شاعران ایرانی در روند نوسازی شعر فارسی از مایه‌ها و روش‌های شعر اروپایی می‌آموزند. گذشته از درون‌مایه‌های شناخته‌به‌شعر فارسی برمی‌گردانند، یا چیزهایی که پس از چاپ روشن می‌شد از گونه‌ی دست‌برد یا اتحلال است، رگ‌های اروپایی جابه‌جایی قافیه و شکستن برابری لخت‌های

دانشگاه، قلب تپنده توسعه هر کشور است و اعضای هیأت علمی، ستون‌های اصلی این نهاد اثرگذار هستند. با این حال، هر از گاهی اخباری درباره تأخیر در پرداخت حقوق، مطالبات معوق یا مشکلات معیشتی استادان دانشگاه منتشر می‌شود؛ اخباری که شاید در نگاه نخست صرفاً یک مسئله اداری یا مالی به نظر برسند، اما در واقع نشانه‌ای از یک دغدغه عمیق‌تر هستند: جایگاه و منزلت استاد دانشگاه در نظام تصمیم‌گیری کشور. استاد دانشگاه تنها یک حقوق‌بگیر نیست. او سال‌ها از عمر خود را صرف تحصیل، پژوهش، تولید علم، تربیت دانشجو و حل مسائل جامعه کرده است. بسیاری از دستاوردهای علمی، فناوری‌ها، طرح‌های پژوهشی و حتی تربیت مدیران و متخصصان کشور، حاصل تلاش بی‌وقفه همین جامعه علمی است. بنابراین هنگامی که پرداخت حقوق و مطالبات قانونی اعضای هیأت علمی با تأخیر، ابهام یا بی‌نظمی مواجه می‌شود، مسئله صرفاً یک تراکنش مالی نیست؛ بلکه پیامی ناخواسته درباره میزان اهمیت و اولویت سرمایه انسانی دانشگاهی در کشور مخابره می‌شود. بی‌تردید هیچ استادی تنها برای دریافت حقوق وارد عرصه دانشگاه نمی‌شود. انگیزه علمی، علاقه به آموزش

و تعهد به پژوهش، مهم‌ترین سرمایه‌های دانشگاهیان است. اما نمی‌توان انتظار داشت که استادان در بالاترین سطح از آموزش و پژوهش فعالیت کنند، در حالی که دغدغه‌های ابتدایی معیشتی و حرفه‌ای آنان نادیده گرفته شود. شأن علمی با امنیت حرفه‌ای و احترام عملی پیوندی ناگسستنی دارد. کشورهایی که امروز در عرصه علم و فناوری پیشرو هستند، پیش از هر چیز جایگاه دانشگاه و استاد را به رسمیت شناخته‌اند. آنان دریافت‌اند که سرمایه‌گذاری بر دانشگاه هزینه نیست، بلکه تضمین آینده است. در چنین کشورهایی، حمایت از اعضای هیأت علمی نه یک امتیاز، بلکه یک ضرورت راهبردی برای توسعه ملی تلقی می‌شود. جامعه دانشگاهی ایران نیز شایسته چنین نگاهی است. پرداخت به‌موقع حقوق و مطالبات قانونی، ایجاد ثبات و آرامش حرفه‌ای، پرهیز از تصمیمات غیرکارشناسی و توجه واقعی به دغدغه‌های دانشگاهیان، حداقل اقداماتی است که می‌تواند بخشی از منزلت‌شغلی استادان را حفظ کند. احترام به استاد دانشگاه نباید تنها در سخنرانی‌ها، مراسم‌ها و شعارها جلوه پیدا کند؛ بلکه باید در تصمیمات اجرایی، سیاست‌های مالی و رفتار سازمانی نهادهای مسئول نمود عینی داشته باشد.



## از تکریم در سخن تا احترام در عمل



رحیم فروزه

امروز بیش از هر زمان دیگری باید به این پرسش اندیشید که اگر قرار است دانشگاه موتور محرک پیشرفت کشور باشد، آیا می‌توان نسبت به وضعیت کسانی که این موتور را به حرکت درمی‌آورند بی‌تفاوت بود؟ حفظ شأن اعضای هیأت علمی، دفاع از منافع یک گروه خاص نیست؛ دفاع از آینده علم، آموزش و توسعه کشور است.

### عضو هیات علمی دانشگاه



# استحصال ید مشکل زیست محیطی ندارد

شوری آب تهدیدی برای حیات گیاهی و جانوری تالاب‌ها نیست ضمن اینکه غلظت فلزات سنگین این پهنه آبی بجز «آهن، سولفات، سرب و منگنز» هم یا در حد استاندارد و یا پایین‌تر از آن قرار داشته و از این حیث مشکلی برای محیط زیست ندارد. قربانی تصریح کرد: اگر پساب واحد استحصال ید به تالاب اینچه گلستان قطع شود ممکن است این پهنه آبی تا سال ۱۴۱۰ خشک گردد اما با ادامه حیات آن می‌توان این تالاب را به مکانی برای جذب گردشگر تبدیل کرد.



معاون محیط طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان از رصد و پایش مستمر فعالیت واحدهای استحصال ید در نواحی شمالی این استان بویژه در آق قلا، تصریح کرد: پساب این واحدها مشکل زیست محیطی ندارد. به گزارش روابط عمومی، سیدمجتبی حسینی در نشست علمی تخصصی شورابه، ید و آینده گلستان که توسط بنیاد علمی و موسسه سبزگامان دکتر بسکی در گنبدکاووس برگزار شد، افزود: استخراج ید از معادن این ماده شیمیایی برای نخستین بار از اوایل دهه ۸۰ به عنوان صنعتی ناشناخته در این استان شروع شد. وی بایان اینکه سازمان حفاظت محیط زیست از همان ابتدای فعالیت واحد استحصال ید در گلستان بر فعالیت آن نظارت داشته و همچنان دارد، گفت: نمونه پساب این واحد تولیدی به‌صورت مستمر مورد آزمایش در معتبرترین واحدهای آزمایشگاهی کشور و این استان مورد سنجش قرار می‌گیرد و اگر نتایج آزمایشات خارج از استانداردهای زیست محیطی باشد تذکرات لازم به واحد جهت اصلاح داده می‌شود. حسینی ادامه داد: بخش زیادی از پساب واحدهای استحصال ید در گلستان با تکنولوژی جدید به زمین تزریق می‌شود و هیچ نگرانی بابت آلودگی محیط زیست توسط این واحدها وجود ندارد. به گفته وی، یکی از شرایط صدور مجوز برای سرمایه‌گذاران استحصال ید در گلستان، تزریق پساب به داخل زمین است. معاون محیط طبیعی و تنوع زیستی اداره کل حفاظت محیط زیست گلستان همچنین با تأکید بر ضرورت داشتن پیوست زیست محیطی برای تمام فعالیت‌های عمرانی،

### ید استحصالی در گلستان، پرتوژیایی ندارد

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان هم در این نشست علمی تخصصی، تصریح کرد: ید استحصالی در گلستان از نوع ۱۲۷ و دارای ایزوتوپ‌های پایدار بوده و به هیچ عنوان پرتوژیایی ندارد. منصور خواجه بایان اینکه هم اکنون استحصال ید تنها در حدود ۱۰ کشور جهان از جمله شیلی که ۶۰ درصد تولید این ماده شیمیایی را برعهده دارد، آمریکا، ژاپن، چین، روسیه، ترکمنستان، ازبکستان و ایران انجام می‌شود، افزود: بسیاری از این کشورها پساب ید را تبخیر کرده و یا در دریاها، اقیانوس‌ها و رودخانه‌ها ریخته و یا در زمین تزریق می‌کنند. وی از وجود برخی واحدهای استحصال ید کشور ژاپن در مناطق مسکونی و کنار رودخانه خبر داد و اضافه کرد: پساب ید اگر به درستی مدیریت و PH آن خنثی سازی و تنظیم شود نه تنها مشکل زیست محیطی ندارد بلکه برای حیات گیاهی و جانوری هم مفید است.

### نتایج این تحقیق نشان داد که پساب این واحد تولیدی ید

نه تنها از خشک شدن این پهنه آبی به مساحت تقریبی ۹۷۵ هکتار جلوگیری کرده بلکه سبب احیای آن نیز شده است

رسول قربانی افزود: تالاب اینچه قبل از شروع فعالیت واحد استحصال ید در آق قلا یک دریاچه بوده و در سال ۱۴۰۰ توسط سازمان حفاظت محیط زیست در فهرست تالاب‌ها قرار گرفت و تحقیقات نیز نشان داد پساب این واحد تولیدی برای احیای و ماندگاری این تالاب موثر بوده است. وی، میانگین غلظت شوری آب تالاب اینچه را ۱۶۵ پی پی تی اعلام کرد و گفت: این میزان

کشاورزی و منابع طبیعی گرگان هم در این نشست علمی با اشاره به انجام یک پروژه تحقیقاتی در سال ۱۴۰۲ در مورد پساب واحد تولید ید در آق قلا و تأثیر آن بر تالاب اینچه گلستان، گفت: نتایج این تحقیق نشان داد که پساب این واحد تولیدی ید نه تنها از خشک شدن این پهنه آبی به مساحت تقریبی ۹۷۵ هکتار جلوگیری کرده بلکه سبب احیای آن نیز شده است.

تولیدی و اقتصادی کشور و این استان و نیز توجه به مسوولیت اجتماعی واحدهای تولیدی و اقتصادی، تصریح کرد: متأسفانه توجه به این ۲ مبحث در گلستان مغفول مانده و کم‌رنگ است.

### پساب ید از خشک شدن تالاب «اینچه» گلستان جلوگیری کرد

عضو هیات علمی دانشگاه علوم



## گرگان شناسی در دوره پهلوی



محمد انصار

در دوره پهلوی، پژوهش‌هایی درباره‌ی سرزمین گرگان انجام شد که آن‌ها را باید دو دسته کرد: الف- آثاری که از سوی ناشران و موسسات خصوصی به چاپ رسیدند. مانند:

- ۱- دشت گرگان این کتاب، در سال ۱۳۱۶ به قلم عباس شوقی به نگارش درآمد و به کوشش مؤسسه خاور، در ۴۸ صفحه چاپ شد. نویسنده، گذرا به معرفی منطقه ترکمن صحرا و ویژگی‌های ساکنان این سرزمین می‌پردازد. آقا بزرگ طهرانی این اثر را دیده و نام آن را در صفحه ۱۷۱ جلد هشتم کتاب «الذریعه الی تصانیف الشیعه» آورده است.
- ۲- تاریخ جرجان

این کتاب در سال ۱۳۶۹ هجری (۱۳۲۸ خورشیدی) در حیدرآباد دکن، در قطع وزیری و ۵۲۰ صفحه به چاپ رسید. نویسنده‌اش، حمزه بن یوسف سهمی جرجانی (قرن پنجم) است. آن دو بخش دارد: الف- رویدادهای تاریخی ب- زندگینامه دانشمندان. ۳- جغرافیا و جغرافیای تاریخی گرگان این کتاب، به قلم اسدالله معینی نوشته شد. در سال ۱۳۴۴ از سوی شرکت سهامی طبع، در قطع وزیری و ۴۲۸ صفحه به چاپ رسید. در پنج بخش، اوضاع طبیعی، تاریخی، جغرافیای سیاسی، جغرافیای اقتصادی، فرهنگ و ادبیات شرح داده می‌شود. ۴- گرگان و دشت در چهل سال اخیر و آینده آن نویسنده‌اش، ابراهیم وحشوری است. در سال ۱۳۴۴ خورشیدی، در قطع رقعی و ۲۰۲ صفحه، به چاپ رسید. موضوع کتاب، بررسی اوضاع کشاورزی، محیط زیست و منابع طبیعی است. هدف اصلی نگارش، هشدار به تخریب کنندگان جنگل‌ها و منابع طبیعی است. ۵- استرآبادنامه

این کتاب، شماره ۱۲ از مجموعه آثار انتشارات مجله فرهنگ ایران زمین بود که در سال ۱۳۴۸ به کوشش مسیح ذبیحی به چاپ رسید. آن دربردارنده‌ی چندین رساله قدیمی است. مانند: نخبه سیفیه (تألیف محمد علی قورخانچی)- روزنامه سفر استرآباد (بی نام و مربوط به سال ۱۲۶۳ هجری)- شرح حال علما و ادبای استرآباد (محمد صالح استرآبادی) - ترجمه سفرنامه کلنل لوات انگلیسی (مربوط به سال‌های ۱۲۹۸-۱۲۹۹ هجری) و ...

۶- اقتصاد گرگان و گنبد و دشت نویسنده‌اش، دکتر منصور گرگانی است. در سال ۱۳۵۰، در قطع وزیری و ۴۷۵ صفحه، به کوشش بنگاه مطبوعاتی صفیعلیشاه به چاپ رسید. در این کتاب، درباره موارد زیر، توضیحاتی داده است: جغرافیای طبیعی، تاریخ اجتماعی و اقتصادی تا عصر قاجار، جمعیت و خصوصیات دموگرافی، منابع طبیعی، تقسیمات اداری و سیاسی شهرستان گرگان و دشت، ارتباطات و حمل و نقل، مسأله مالکیت زمین و ... ۷- سفرنامه‌ها

در دوره قاجار، خارجی‌ها برای مأموریت یا گردشگری به گرگان آمدند و گزارش‌های خوبی، درباره‌ی آداب و رسوم، پدیده‌های طبیعی، خصوصیات مردم، رویدادها، وضعیت شهرها و راه‌ها نوشتند که سفرنامه یانست لوئی رابینو و ژاک دمرگان، از بهترین

ها هستند که در دوره پهلوی به چاپ رسیدند. ب- آثاری که با پشتیبانی حکومت پهلوی به چاپ رسیدند: در دوره‌ی محمدرضا شاه پهلوی، در شهر گرگان همزمان با سراسر کشور، جشن‌هایی همراه با برنامه‌های گوناگون، برگزار می‌شد که یکی از آنها، چاپ کتاب و گزارش‌کار با پشتیبانی مالی دولت بود که در زیر آنها را خواهیم گفت: الف- جشن تاج‌گذاری

این برنامه، در تاریخ ۴ آبان سال ۱۳۴۶ خورشیدی برگزار شد. این آثار، برای این مراسم به چاپ رسیدند: ۱- کتاب گرگان سرزمین طلای سفید آن به کوشش مسیح ذبیحی در ۱۸۷ صفحه به چاپ رسید. در اینجا، اقدامات رضا شاه و فرزندش در گرگان، شرح داده شده است. همچنین متن دو رساله به نام‌های نخبه کامرانی (اثر صولت نظام قورخانچی) و شرح علما و ادبای استرآباد (اثر محمد صالح استرآبادی) آمده است. ۲- گزارش فعالیت‌های جمعیت شیر و خورشید سرخ گرگان

آن در ۳۱ صفحه به چاپ رسید. برخی از کارهایی که این مرکز انجام داده بود، چنین است: ساخت بیمارستان دزبان، کمک به سیلزدگان روستاهای گمیشان در بهار سال ۱۳۴۵، کمک برای مبارزه با بیماری وبا، راه اندازی بهیاری، بانک خون و خانه جوانان. ب- جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بنیان‌گذاری شاهنشاهی این برنامه، از ۲۰ تا ۲۴ مهر سال ۱۳۵۰ برگزار شد. این آثار برای این مراسم به چاپ رسیدند: ۱- کتاب گرگان زمین

آن به کوشش مسیح ذبیحی در قطع وزیری و ۲۲۹ صفحه گردآوری شد. در آن، متن چندین رساله، یک سفرنامه، سه فرمان نامه و مطالبی درباره‌ی استرآباد برگرفته از جلد اول کتاب ایران و قضیه ایران (اثر لرد کرزن)، آمده است. آنچه که در اینجا و کتاب گرگان سرزمین طلای سفید به چاپ رسید، درباره در سال ۱۳۶۲ در کتاب گرگان نامه (اثر ایرج افشار) به چاپ رسیدند. ۲- نشریه گرگان سرزمین طلای سفید

آن از سوی آموزشگاه عالی جنگل و مرتع گرگان در قطع رحلی و ۸۰ صفحه زیر نظر داوود درگاهی به چاپ رسید که در آنجا، گذرا با شهر گرگان آشنا خواهیم شد. ۳- چهره شهرستان گنبد قابوس در عصر پرافتخار دودمان پهلوی

آن گزارشی است که در قطع وزیری و ۸۸ صفحه به کوشش بیرام قلیچ آقچه لی (دبیر

دبیرستان‌های گنبد کاووس) به چاپ رسید. ج- پنجاهمین سال حکومت پهلوی از رویدادهای دوره پهلوی، تصویب تغییر تقویم کشور بود. یعنی اول سال ۱۳۵۵ خورشیدی، آغاز سال ۲۵۳۵ شاهنشاهی شد و این سال، برابر با پنجاهمین سال حکومت پهلوی بود. این نشریات به همین مناسبت، به چاپ رسیدند: ۱- کارنامه اداره فرهنگ و هنر گرگان و دشت، از سوی وزارت فرهنگ و هنر.

۲- استرآبادنامه، از سوی واحد امور تربیتی آموزش و پرورش گرگان.

۳- سایر آثار به جز آنچه که گفته شد، کتاب‌های زیر با پشتیبانی حکومت پهلوی به چاپ رسیدند: ۱- هنرمندان گرگان

آن در ۷۰ صفحه به کوشش اداره فرهنگ و هنر گرگان به چاپ رسید که در آنجا، زندگینامه اساتید تئاتر، خوشنویسی، موسیقی، نقاشی، نویسندگان و شاعران گرگان آمده است. ۲- سالنامه فرهنگ گرگان

آن در سال ۱۳۳۷ به قلم برخی از فرهنگیان گرگان، نوشته شد و در ۱۶۰ صفحه، به کوشش اداره فرهنگ و هنر گرگان به چاپ رسید. موضوع آن، بررسی وضعیت مدارس جدید و معرفی مدیران مدارس و روسای فرهنگ است. گذرا به تاریخ مدارس جدید و تأسیس ۵ مدرسه ملی و ۳ دبستان دخترانه اشاره می‌شود. تاریخچه تأسیس تربیت بدنی، پیش‌آهنگی، و زندگینامه برخی روسای فرهنگ، دبیران و مدیران مدارس از مطالب دیگر است. سپس مسیح ذبیحی، گذرا ما را با شهر گرگان، آشنا خواهد کرد. در پایان، آمار از دبستان‌ها، دبیرستان‌ها و نانوآموزان مؤسسات فرهنگی و نیز آموزشگاه‌های اکابر آمده است. این کتاب، نخستین کتاب چاپ شده درباره‌ی تاریخ آموزش و پرورش گرگان بود.

۳- راهنمای آثار باستانی گرگان و دشت آن به کوشش اداره فرهنگ و هنر گرگان و دشت به چاپ رسید. ۴- نشریه آب در حومه گرگان و دشت آن به کوشش سید نصرالله نقوی، یدالله فدایی و رقیه چمنی گردآوری شد و در سال ۱۳۵۱ از سوی اداره اطلاعات به چاپ رسید.

پژوهشگر

# خرید ۸ تن گل محمدی از کشاورزان وامنان

ظرفیت بالای تولید گل محمدی در این منطقه گفت: سطح زیر کشت این محصول در وامنان به حدود ۴۰ هکتار رسیده و روند خرید تا پایان فصل برداشت ادامه خواهد داشت. وی ادامه داد: گل‌های خریداری شده پس از جمع‌آوری، توسط شرکت تعاونی تولید روستایی وامنان فراوری و گلاب‌گیری می‌شود و محصولات نهایی با برند این تعاونی در روستابازارهای تعاونی و دیگر مراکز عرضه استان به فروش می‌رسد. جامی این طرح را نمونه‌ای موفق از نقش‌آفرینی تعاونی‌های روستایی در توسعه اقتصادی مناطق روستایی دانست و اظهار کرد: حذف واسطه‌ها، افزایش سهم درآمدی تولیدکنندگان و ایجاد ارزش افزوده از طریق فراوری محصول، از مهم‌ترین دستاوردهای اجرای این طرح در منطقه وامنان است.



مدیر تعاون روستایی گلستان از خرید توافقی بیش از ۸ تن گل محمدی با قیمت هر کیلوگرم ۱۷۰ هزار تومان از کشاورزان وامنان خبر داد و گفت: ۸۰ درصد مطالبات تولیدکنندگان پرداخت شده است. به گزارش روابط عمومی، محمدرضا جامی، از تداوم حمایت از تولیدکنندگان گل محمدی در منطقه وامنان خبر داد و اظهار کرد: شرکت تعاونی تولید روستایی وامنان تاکنون بیش از ۸ تن گل محمدی را به صورت توافقی از کشاورزان خریداری کرده است. وی با بیان اینکه این خرید با نرخ هر کیلوگرم ۱۷۰ هزار تومان انجام شده است، افزود: بخش عمده مطالبات بهره‌برداران نیز پرداخت شده و تاکنون حدود ۸۰ درصد از وجوه خرید به کشاورزان تسویه شده است. مدیر تعاون روستایی گلستان با اشاره به

## توجه به سلامت روان کودکان

### فرصتی برای رشد سالم تر

استاندارد و مشاهده رفتار کودک تلاش می‌کند وضعیت روانی او را ارزیابی کند. همچنین اطلاعاتی که از والدین، معلمان و سایر مراقبان کودک به دست می‌آید نقش مهمی در تشخیص دارد.

#### روش‌های درمانی

درمان اختلالات روانی در کودکان معمولاً به صورت ترکیبی از چند روش انجام می‌شود. دارودرمانی یکی از این روش‌هاست و در برخی موارد می‌تواند به کاهش علائم کمک کند. داروهای ضدافسردگی، داروهای ضد اضطراب، داروهای محرک و تثبیت‌کننده‌های خلق از جمله داروهایی هستند که ممکن است برای کودکان تجویز شوند. در کنار دارودرمانی، روان‌درمانی نیز نقش بسیار مهمی در درمان دارد. در این روش، کودک با کمک متخصص یاد می‌گیرد احساسات و افکار خود را بهتر درک کند و مهارت‌هایی برای مدیریت رفتارها و واکنش‌های خود به دست آورد. درمان شناختی - رفتاری، درمان خانوادگی و درمان گروهی از جمله روش‌هایی هستند که در درمان کودکان مورد استفاده قرار می‌گیرند. برای کودکان کم‌سن‌تر نیز روش‌هایی مانند بازی‌درمانی و هنردرمانی کاربرد دارد. این روش‌ها به کودک کمک می‌کنند احساسات و تجربه‌های خود را از طریق بازی یا فعالیت‌های هنری بیان کنند.



نیز نقش مهمی دارند. تجربه‌های آسیب‌زا مانند سوءاستفاده جسمی یا عاطفی، از دست دادن یکی از والدین در سنین پایین یا بی‌توجهی شدید می‌تواند زمینه‌ساز بروز مشکلات روانی در کودکان شود. علاوه بر این، فشارهای شدید محیطی مانند مشکلات خانوادگی یا رویدادهای استرس‌زا نیز می‌تواند در کودکانی که آسیب‌پذیری بیشتری دارند، موجب بروز اختلالات روانی شود.

#### تشخیص چگونه انجام می‌شود؟

تشخیص اختلالات روانی در کودکان نسبت به بزرگسالان پیچیده‌تر است، زیرا بسیاری از رفتارهایی که ممکن است نشانه اختلال تلقی شوند، در برخی مراحل رشد طبیعی هستند. به همین دلیل متخصصان برای تشخیص دقیق به بررسی‌های چندجانبه نیاز دارند. پزشکان معمولاً ابتدا با بررسی کامل سابقه پزشکی کودک و انجام معاینات جسمی تلاش می‌کنند احتمال وجود بیماری‌های جسمی را رد کنند. در برخی موارد نیز آزمایش‌هایی مانند آزمایش خون یا تصویربرداری برای اطمینان از نبود مشکلات جسمی انجام می‌شود. در صورتی که علت جسمی برای علائم یافت نشود، کودک به روان‌پزشک یا روان‌شناس کودک و نوجوان ارجاع داده می‌شود. این متخصصان با استفاده از مصاحبه‌های تخصصی، پرسشنامه‌های

نشانه‌ها می‌توان به گوشه‌گیری اجتماعی، کاهش علاقه به بازی یا فعالیت‌هایی که کودک پیش‌تر از آنها لذت می‌برد، نگرانی یا اضطراب شدید، عصبانیت‌های مکرر و رفتارهای پرخاشگرانه اشاره کرد. برخی کودکان ممکن است به طور مداوم از دردهای جسمی مانند سردرد یا دل‌درد شکایت کنند، در حالی که بررسی‌های پزشکی علت مشخصی برای آن نشان نمی‌دهد. در موارد شدیدتر، کودک ممکن است چیزهایی ببیند یا صداهایی بشنود که وجود خارجی ندارند. چنین نشانه‌هایی نیازمند بررسی فوری توسط متخصصان سلامت روان است.

#### چرا اختلالات روانی در کودکان ایجاد می‌شود؟

پژوهشگران معتقدند اختلالات روانی معمولاً نتیجه ترکیبی از عوامل مختلف هستند و به یک علت واحد محدود نمی‌شوند. یکی از مهم‌ترین عوامل، زمینه‌های ژنتیکی است. در بسیاری از موارد، سابقه خانوادگی اختلالات روانی می‌تواند احتمال بروز این مشکلات را در کودکان افزایش دهد. از نظر زیستی نیز برخی اختلالات روانی با عدم تعادل مواد شیمیایی در مغز مرتبط هستند. این مواد که انتقال‌دهنده‌های عصبی نام دارند، وظیفه انتقال پیام میان سلول‌های عصبی را بر عهده دارند. هرگونه اختلال در عملکرد آنها می‌تواند بر احساسات و رفتار فرد تأثیر بگذارد. عوامل روانی

تحصیلی و روابط اجتماعی کودک تأثیر بگذارند. اختلال رفتاری - در کنار این موارد، برخی کودکان با اختلالات رفتاری مواجه هستند. این کودکان ممکن است قوانین را نادیده بگیرند، در محیط‌هایی مانند مدرسه رفتارهای مخرب از خود نشان دهند یا به طور مداوم با والدین و معلمان درگیر شوند. اختلالات خلقی - مانند افسردگی نیز در میان کودکان دیده می‌شود. این اختلال می‌تواند با احساس غم طولانی‌مدت، کاهش علاقه به فعالیت‌های روزمره و تغییرات در اشتها یا خواب همراه باشد. علاوه بر این، اختلالات خوردن، اختلالات تیک و در موارد نادرتر اسکیزوفرنی نیز در میان اختلالات روانی کودکان گزارش شده‌اند.

#### نشانه‌هایی که والدین باید جدی بگیرند

علائم اختلالات روانی در کودکان می‌تواند بسیار متنوع باشد، اما برخی نشانه‌ها به عنوان علائم هشداردهنده شناخته می‌شوند. یکی از این نشانه‌ها افت ناگهانی عملکرد تحصیلی به‌ویژه زمانی که کودک با وجود تلاش کافی، نتواند نتایج مطلوبی در مدرسه کسب کند، می‌باشد. تغییر در الگوی خواب یا تغذیه نیز می‌تواند از نشانه‌های مهم باشد. برای مثال، بی‌خوابی مداوم، کابوس‌های شبانه، کاهش یا افزایش شدید اشتها و تغییرات قابل توجه در وزن ممکن است نشانه وجود مشکل باشد. از دیگر

متخصصان سلامت روان بر این باورند که دوران کودکی فرصت طلایی برای شکل‌گیری بنیان‌های عاطفی و رفتاری سالم است. توجه به رشد متعادل کودکان این دوره می‌تواند به رشد متعادل کودکان کمک کند. به گزارش ایرنا زندگی، سلامت روان در دوران کودکی نقش مهمی در شکل‌گیری شخصیت، روابط اجتماعی و موفقیت تحصیلی دارد. کارشناسان معتقدند با افزایش آگاهی خانواده‌ها و توجه به نشانه‌های رفتاری، بسیاری از چالش‌های روانی کودکان در همان مراحل ابتدایی قابل شناسایی و مدیریت است. بررسی‌های پزشکی نیز نشان می‌دهد بخشی از کودکان ممکن است در مسیر رشد با برخی اختلالات روانی روبه‌رو شوند، اما تشخیص به‌موقع و بهره‌گیری از راهکارهای درمانی می‌تواند به بهبود وضعیت آنها کمک کند. پایگاه پزشکی WebMD با توجه به اهمیت این موضوع، به معرفی مهم‌ترین اختلالات روانی در کودکان، نشانه‌ها، عوامل بروز و شیوه‌های تشخیص و درمان آنها پرداخته است. بر اساس داده‌های منتشر شده، حدود ۲۰ درصد از کودکان در طول یک سال با نوعی اختلال روانی قابل تشخیص مواجه می‌شوند، اما متخصصان تأکید دارند که آگاهی والدین، مراجعه به‌موقع به متخصصان و دریافت خدمات حمایتی می‌تواند روند درمان و سازگاری کودکان با زندگی روزمره، روابط اجتماعی و فعالیت‌های تحصیلی را تسهیل کند.

#### رایج‌ترین اختلالات روانی در کودکان

اختلالات روانی در کودکان طیف متنوعی دارند و می‌تواند شامل مشکلات خفیف اضطرابی تا اختلالات شدیدتر شود. یکی از شایع‌ترین این اختلالات، اختلالات اضطرابی است. کودکانی که با اضطراب شدید مواجه هستند، در برابر برخی موقعیت‌ها یا موضوعات واکنش‌های ترس‌آلود و شدید نشان می‌دهند و ممکن است علائمی مانند تپش قلب، تعریق، نگرانی مداوم یا اجتناب از برخی موقعیت‌ها را تجربه کنند. اختلال کم‌توجهی - بیش‌فعالی (ADHD) نیز از دیگر اختلالات شایع در کودکان به شمار می‌رود. کودکان مبتلا به این اختلال معمولاً فعالیت بدنی زیادی دارند، تمرکز طولانی‌مدت برایشان دشوار است و کنترل رفتارهای تکانه‌ای در آنها کمتر دیده می‌شود. این مشکل می‌تواند بر عملکرد